



۲۰۱۷/۰۲/۰۶



عارف عباسی

خود خواهی

واقعیتی است مبرهن که انسان ها در شرائط متفاوت، نظر به عوامل گوناگون به امراض مختلف روانی و جسمانی مبتلا می گردند، عوامل عمده امراض جسمانی و روانی با محیط های ناسالم زیست و شرائط نامساعد زندگی گره خورده ولی استثنائاتی چون به ارث بردن «جین» هم نقش خود را در بعضی امراض دارد، همان گونه که فقر و ناداری، بی خبری و نادانی و عدم دسترسی به وسائل و امکانات طبابت عصری باعث توسعه انواع امراض در جوامع عقب افتاده می گردد، نوعیت امراض بالاخص امراض روانی در جوامع متمدن و انکشاف یافته فرق می کند، رفاه مادی و وفرت غذاهای غنی از مواد چربی دار و کاربو هیدریت و حفاظت مواد غذایی توسط مواد کیمیایی و بلند بردن محصولات نباتی و حیوانی توسط استفاده از استعمال تسریع عملیه نمو و ازدیاد کمیت خود مسبب بروز امراض گوناگون می گردد که به نام امراض ثروتمندی یاد می گردد. هکذا محیط های ناسالم زندگی خانوادگی در شکست و ریخت عواطف، محبت و صمیمیت و پاشان شدن کانون خانواده ها توسط جدایی ها و آزادی های افراطی مسائل جنسی بسی امراض روانی را خلق می نماید که هر یک مباحث چندین جانبه، تخصصی و مغلق علمی است که نویسنده را توان توضیح آن نیست، که در این مبحث به ارتباط موضوع صرفاً به حیث مقدمه فشرده ای بیان گردید.

موضوع نوشته امروز مرا متوجه توضیح مرضی می سازد که هیچ گونه رابطه به عوامل و شرائط فوق الذکر نداشته شاید از خلقت با آدمی ممزوج باشد و یا سیر تکامل زندگی و شرائط آن را بیافریند. این مرض (**خود خواهی**) است که آن را در زبان انگلیسی Selfishness و یا Egoism می گویند که صرف نظر از موقف اجتماعی و شرائط اقتصادی زندگی انسان ها به آن مبتلا بوده و در بعضی حالات افراطی می توان آن را نیمچه دیوانگی گفت که در صف تکالیف روانی شامل بوده لاعلاج است. علائم مرض خود خواهی غرور بیش از حد، در خود پیچیدن، منم گویی، بالابینی خودی، پائین نگری دیگران و بی ارزش پنداری دلیل و برهان خلاف میل و خواست، عدم قناعت و پافشاری به درستی تصمیم، گفتار، کردار و اصرار ورزی بر صحت نظر خود، می باشد. مصاب این مرض به تکلیف خود معترف نبوده، علما عامل این مرض را در (**جهالت نهفته**) سراغ نموده اند ولو که مصابین آن عالم و مکتب رفته و پوهنتونی باشند، که منم گویی، گردن فرازی، خود بالا بینی و دیگران را کم شمردن از مخلوقات مرض خود خواهی، و خود خواهی مولود جهالت مکنون است.

در امراض جسمانی به استثنای امراض ساری صدمه و ضرر متوجه خود مصاب به مرض است، شاید تکالیف پرستاری برای دیگران در نبود وسائل لازم زحمت آفرین باشد، ولی مرض خود خواهی نه تنها به مصاب صدمه و ضرر می رساند بلکه نظر به موقف اجتماعی شخص مصاب به مرض خود خواهی جامعه را به انواع مختلف متضرر می گرداند.

خود خواهی یک رئیس خانواده کانون خانواده را متلاشی ساخته روابط اعضای آن را برهم می زند. در هر شغل و پیشه خود خواه، خود ناکام است و دیگران را هم صدمه می رساند و وخیم ترین آن قرار داشتن شخص خود خواه در موقف رهبری در یک نظام استبدادی، خود کامه و مطلق العنان است که سرنوشت یک کشور توسط یک شخص تعیین گردیده و بنیانگذار سیاست های داخلی و خارجی مملکت باشد، این جاست که اتخاذ روش خود خواهی در هر دو حالت فوق پدید آورنده عواقب بس خطرناک بوده در بعضی حالات یک کشور را به سوی قهقراء و بحران مسیر می بخشد. در کشور ما در مقام رهبری کنونی کشمکش و جدال برای قدرت طلبی و منافع ملی را فدای خواسته های شخصی نمودن خود نشانه خود خواهی آمیخته با همان جهالت نهانی است. در دولت مندی و سیاست مداری سالم، مدیر، با فراست و حافظ منافع علیای مملکت خود خواهی را نباید راهی باشد. یک عمل ناشی از خود خواهی یک زمامدار در روابط خارجی شاید عواقب خطیر غیر قابل جبران را ایجاد کند که یک مملکت سال ها از آن متضرر شود و امکان دارد به سوی نابودی رود.

در تاریخ مثال های زیادی از تصامیم نابخردانه، زور گویانه، ناعاقبت اندیشانه و درست دانستن طرز دید و عمل خود از زمامداران خود خواه و خود کامه وجود دارد که ممالک شان را به بربادی کشاندند و نامش را ماندند نهضت، ترقی، و عصری ساختن. حمله صدام حسین بر کویت و به طور مثال اگر بپذیریم که تجاوز نظامی شوروی بر افغانستان تصمیم خود خواهانه و عجولانه مرد کهن سال لئونید برژنف صدر رئیسه شورای عالی کمیته مرکزی بوده عواقب آنرا اتحاد جماهیر اشتراکیه شوروی و ملت برباد شده افغانستان دید (البته این موضوع اگر مگر بسیار دارد).

جای نهایت تأسف است که این مرض در وجود خبرگان، نخبگان و دانشمندان در ساحه فرهنگی نفوذ نماید مخصوصاً که این جمعیت از اعتبار اجتماعی برخوردار بوده دیگران نظر به اسناد علمی، تجارب و استعداد های ناب شان به نظریات شان احترام داشته و ایشان به حیث مثال ورد زبان همه باشند.

خود خواهی در محیط فرهنگی با تبارز آثار و علانم مرض برای یک کشور از هر نگاه مضر است چه خبرگان چشم و چراغ جامعه بوده اگر خود خواهی سبب عدول این قشر از اصل واقع بینی و شرح حقایق باشد باعث گمراهی معتقدین و مغشوش ساختن اذهان عامه در تحریف واقعیت ها می گردد.

با گسترش سرسام آور وسائل ارتباط جمعی امروز تحقیقات در مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی منحصر به کتاب خانه ها نمانده، این جام جهان نمای اطلاعاتی درب کشای دسترسی همگانی گردیده و آثار و پدیده ها را مورد قضاوت بخش وسیع خوانندگان و بینندگان و اظهار نظر دیگران قرار می دهد و برای پدید آورنده اثر که فارغ از تکلیف روانی خود خواهی باشد، موهبتی بوده افتخار آفرین، که پدیده اش در محراق توجه همگانی قرار گرفته و با نهایت حوصله مندی و بر خورد عالمانه و عاملانه باید دریابد که در کار علمی اش کدام موضوعات از توجه اش بازمانده! کمی و کاستی ها در کجاست؟ و در کدام موارد اشتباه صورت گرفته؟ و از منابع و مأخذ معتبر استفاده نشده و باید نظر صائب دیگران را با اظهار قدردانی و سپاس مکمل تحقیق خود بداند!

متأسفانه که مرض خود خواهی در فرهنگی، محقق و مؤرخ وسعت نظر، حوصله مندی و مفیدیت تبادل نظر و آموختن از دیگران را به یغما برده و استبداد و ستم قلم را بار می آورد. گاهی خودخواهی بر مؤلف چنان غلبه می کند که مخالف نظر خود را دشمن شخصی تلقی نموده اظهار نظر متفاوت را اهانت و توهین به خود می پندارد و متأسفانه جای تبادل نظر عالمانه و عاملانه را هتک حرمت و تجاوز و تاختن های خلاف اصول اخلاقی و مسلکی می گیرد و در موارد زیاده روی ها تحقیر و توهین طرف مقابل قناعت را فراهم نساخته پای اقوام اقارب، پدر، پدر کلان و کاکا و ماما کشانده می شود.

در علوم مثبتة تحقیق بر مبنای آزمایش های گوناگون علمی بوده و صحت و درستی نتایج حاصله ثابت بوده شک و تردیدی باقی نمی ماند. و اما در موضوعات اجتماعی نمی توان به صائب بودن کلی یک تحقیق و نگارش یک رویداد تاریخی چنین مطمئن بود ولو که محقق و مؤرخ به یک منبع و مأخذ استناد نماید و کار خود را مستند بخواند. مخصوصاً در تواریخ نگاشته شده به استثنای معدودی از آثار متباقی تاریخ تحلیلی بوده و تاریخ نگاشته شده مبین احساس، طرز تفکر و موقف مؤرخ می گردد و در پدیده های مغز انسانی در چنین موارد توقع فرشته صفتی، تقوای مسلکی و مبرا بودن از حب و بغض بیش از حد و نادرست است.

محقق و مؤرخ صائب نظر و مبری از مرض خود خواهی با اثر خود که اگر از هر طریقی برای اطلاع عامه قرار میدهد باید زمینه ابراز نظر دیگران را با وسعت نظر، سینه فراخ و حوصله مندی فراهم ساخته این خود یک نوع رأی گیری عالمانه و دموکراتیک بر چگونگی یک پدیده است.

خود خواهی در چنین موارد باعث کتمان واقعیت ها و تحریف اذهان عامه شده در کل، یک جامعه را صدمه می رساند و در ردیف تبلیغات منفی در می آید.

پایان